



اندیشه تحریم و گوشه‌ای از مبارزات ملت مسلمان ایران در دوران پهلوی

درباره سه اعلامیه طلاب در تحریم پاره‌ای از مؤسسات وابسته به

بهایان قبل از نهضت ۱۵ خرداد

حجت‌الاسلام سید هادی خسروشاهی^۱

شاید وقتی مرحوم میرزای شیرازی فتوای تحریم تنباکو را صادر می‌کرد تا از این طریق با تهاجمات پیچیده سیاسی، فرهنگی و اقتصادی استعمار انگلیس و ذات تهاجمی تمدن جدید غرب مقابله کند، هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد که روش تحریم در مبارزه، بعدها به عنوان اندیشه‌ای کاملاً کارآمد بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران و پاره‌ای از کشورهای زیر نفوذ استعمار را تحت تأثیر قرار دهد. اکنون به راحتی می‌توان معنای این اظهارات پاره‌ای از کارگزاران سیاست‌های نظام استبدادی پادشاهی در ایران و روش‌های غرب را در غارت منابع ملی این کشور درک کرد که بعد از نهضت تنباکو گفتند:

۱. مدیر مرکز بررسی‌های اسلامی قم.

دخالت اضطراری میرزای شیرازی در امر سیاست گرچه برای حفظ استقلال مملکت و نگره داری از تجاوزات بیگانگان بسی سودمند بود ولیکن بذری در مزرعه روحانیت پاشیده شد که معلوم نیست چه حاصلی بربویند و چه نتیجه در آینده برای سیاست و روحانیت این مملکت داشته باشد و کدام دست قوی بتواند این خلط و مزج را بر هم زده و هر یک از سیاسیون و روحانیون را به ادای وظیفه خود وادارد.^۱

گفتمان رسمی غرب تحت عنوان تجدد و ترقی و اصلاح طلبی آمده بود که تکلیف سیاست در شریعت را جدا کند اما میرزای شیرازی با پیوند زدن یک عمل سیاسی - اقتصادی به اعتقادات مسلمان نشان داد که فهم مسلمانان و عالمان اسلامی از نسبت سیاست و شریعت سختی با فهم مسیحیان و پدران کلیسا ندارد.

دلداگان به غرب تبلیغ می کردند که امتزاج سیاست و شریعت نه تنها دامان شریعت را لکه دار بلکه اساس سیاست را هم متزلزل می سازد.^۲ اما مجتهدان شیعی با پیوند زدن آسمان سیاست به ریسمان شریعت نشان دادند که مرحوم صدرالمتألهین بی ربط هم نگفته بود که:

سیاست هیچ راهی ندارد مگر اینکه در ظل شریعت قرار گیرد. زیرا اینها مانند روح و جسد هستند در یک کالبد. سیاست عاری از شریعت مانند جسدی است که روح در وی نباشد... نهایت و غایت سیاست، اطاعت از شریعت است و سیاست برای شریعت مانند عبد است نسبت به مولای خود که گاهی از وی اطاعت می کند و گاهی معصیت و نافرمانی می کند. پس اگر سیاست از شریعت اطاعت کرد، ظاهر عالم مطیع و منقاد باطن عالم می گردد و محسوسات در زیر سایه و ظل معقولات قرار می گیرد و اجزا به جانب کل حرکت می کند.^۳

چرا این پیوند ضروری است؟ چون آن کسی که از طرف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیابت داشت باید بتواند ضبط سیاستی که وظیفه اش نگاهداری فضای زندگی برای مسلمانان است بنماید.^۴

۱. میرزا یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، جلد دوم، انتشارات عطار، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۳۷.

۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. محمد بن ابراهیم، معروف به ملاصدرا، شواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ترجمه جواد مصلح، تهران، سروش،

۱۳۶۲، ص ۴۹۶.

۴. ملاصدرا، شرح اصول کافی، جلد ۲، ترجمه محمد خواجوی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

اگر یک رهبر دینی اختیار این را نداشته باشد که فضای زندگی پیروان آن دین را در مقتضیات زمان حفظ کند و آنها را در مقابل حوادث واقعه به اتخاذ تصمیم درست رهنمون شود، آن دین چگونه دینی در ارتقای زندگی مادی و معنوی پیروان خود خواهد بود؟

استعداد مذهب شیعه در انطباق با مقتضیات زمان، رمز کارآمدی تعلیمات فقهای ما در عصر مقابله همه جانبه با حضور دین در زندگی اجتماعی مسلمانان است.

اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران یکی از روش‌هایی است که فقهای شیعه بارها از آن برای حفاظت از فضای زندگی مسلمانان بهره گرفتند.^۱

نان خود بر سفره مردم خوردن، به نعت خویش منت از دیگری بردن، خانه همسایه سوختن و چراغ اجانب برافروختن و جامه خویش دریدن و کلاه بیگانه دوختن نه کار عقلا است.^۲

این شعار اساسی و اصلی اندیشه تحریم در تاریخ معاصر ایران بود که در سخت‌ترین شرایط به یاری استقلال، آزادی و امنیت سیاسی و اقتصادی جامعه در مقابل تهاجمات دولت‌های بیگانه آمد و تمامیت ارضی ایران را در دوران تهاجم ایدئولوژیک غرب علیه دنیای آزاد حفظ نمود.

آنچه در این مقاله عرضه می‌شود گوشه دیگری از مبارزات علمای دینی و مردم ایران در مقابله با جریانات وابسته به نظام صهیونیستی و لیبرالیستی غرب است که قبل از نهضت امام خمینی تلاش می‌کردند به نوعی دست مسلمانان را از شاه‌رگ‌های حیاتی سیاسی و اقتصادی کشور کوتاه کنند. این اسناد نشان می‌دهد که علمای دین همیشه با بیداری کامل همه حرکات جریان‌های منحرف وابسته به بیگانگان را زیر نظر داشته و اجازه نمی‌دادند فضای زندگی مسلمانان آنچنان آلوده به سیاسی‌های استعماری گردد که دیگر امکان پیدا کردن راه چاره برای آن میسر نباشد.

از حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای سید هادی خسروشاهی در ارسال این مقاله به فصلنامه پانزده خرداد سپاسگزاریم.



فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۱۲.

۱. برای آشنایی از نحوه عملکرد این اندیشه در تاریخ معاصر ایران ر.ک: موسی نجفی، متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱.
۲. همان، ص ۹.

◆ اعلامیه «ملت مسلمان ایران»

در اوج ترکتازی! حزب بهایی وابسته به صهیونیسم بین‌المللی، علاوه بر اداره تلویزیون اختصاصی و ویژه و در اختیار داشتن امکانات بی‌حد و حصر برای فعالیت‌های مختلف این حزب مشکوک، مسأله انحصارطلبی آنها در امور اقتصادی کشور امر مهمی بود که به وضوح در همه سطوح دیده می‌شد تا آنجا که در پروژه‌های صنعتی، کشاورزی و فنی و غیره، و یا در تأسیس شرکت‌ها و مقاطعه‌کاری‌ها سهم کلی و یا عمده، نصیب بهائیان می‌شد و البته این امر، بدون پرداخت! پورسانت به دربار و ژنرال‌های شاه و دیگر اوباش وابسته به رژیم، مقدور و عملی نبود!

شرکت زمزم یا پپسی کولا، به طور انحصاری در اختیار «حبیب ثابت پاسال» بود که کانال ۲ تلویزیون کشور را هم در اختیار داشت!

پس از آغاز مبارزه با این حزب سیاسی وابسته به صهیونیسم، توسط مرحوم آیت‌الله بروجردی و به خاموشی‌گراییدن تدریجی آن، با دخالت و شیطنت عناصر مشکوکی چون ژنرال باتمانقلیج و امثال او «پپسی کولا» به عنوان سمبل بهائیت در ایران، در شبکه وسیعی در سراسر کشور، حتی دهات و روستاها، توزیع و پخش می‌شد که این امر موجب نگرانی بود بویژه که گفته می‌شد از فروش هر بطری نوشابه، مبلغی به «بیت الفسق» حزب بهایی پرداخته می‌شد.

در چنین جوی و با احساس مسئولیت، اعلامیه‌ای در رمضان سال ۱۳۷۷ هـ توسط اینجانب تهیه و در چاپخانه‌های «علمیه» و سپس «حکمت» و بعد «دارالعلم» چاپ و در سراسر کشور توزیع گردید که علی‌رغم اظهار مخالفت بعضی از آقایان علما در قم، به تدریج آثار مثبتی از اعلامیه ظاهر شد و مرحوم آیت‌الله سید رضا صدر که یکی از معترضین به حقیر بود! پس از مسافرت تابستانی به دماوند و بیلاق‌های اطراف تهران، وقتی در بقالی‌ها و فروشگاه‌های آنها پپسی کولا را نمی‌بینند، به تحقیق می‌پردازند و طبق گفته خودشان به اینجانب، معلوم شده بود



که مردم با دریافت اعلامیه و آگاهی از فتوای آیت‌الله بروجردی در فروشگاه‌های خود از عرضه پیسی کولا خودداری می‌ورزند و آنهایی هم که آن را عرضه می‌کنند با استقبال مردم رو به رو نیستند.

برای آخرین بار تعداد ۵ هزار نسخه از اعلامیه در چاپخانه دارالعلم قم، به هزینه مردم مسلمان اصفهان - توسط مرحوم حسین عبدالهی خورش - چاپ نموده بودم که اینجانب در خیابان ارم قم توسط دو مأمور شهربانی قم دستگیر شدم!

اتفاقاً محل دستگیری مقابل کتاب فروشی عدالت، مربوط به آقای حبیب‌الله ترکمنی، از فدائیان

اسلام بنام قم بود... من طبق معمول زیر بغل کتابی داشتم که مملو از اعلامیه بود... به مأمورها گفتم این کتاب چون سنگین است، به این کتاب فروشی تحویل می‌دهم و بعد با شما می‌آیم!... آنها هم پذیرفتند و من داخل کتاب فروشی عدالت رفتم، اولاً موضوع دستگیری را خبر دادم و ثانیاً کتاب را تحویل دادم و گفتم اعلامیه‌ها را بردارد و کتاب را نگه دارد.

مأموران مرا سوار تاکسی کردند و در باجک که مرکز شهربانی قم بود - پیاده شدیم! مأموران گفتند که کرایه تاکسی را باید بدهی! - که به نظرم ۱۰ ریال می‌شد؟ - گفتم: چرا من بدهم؟ یکی گفت: چون تو مجرم هستی باید بپردازی!، من عصبانی شدم گفتم، مؤدب حرف بزن! مجرم تو هستی که مرا بدون حکم و مدرک کتبی جلب کرده و به اینجا آورده‌ای؟... بالاخره کرایه تاکسی را دادند و گفتند بعد از شما می‌گیریم!

مرا به اداره آگاهی بردند که رئیس آن شخص بدنامی به نام کامکار بود. «کامکار» به ظاهر احترام کرد و گفت که شما را از تهران خواسته‌اند، باید به تهران اعزام شوید! گفتم اشکالی ندارد ولی من باید به بیت آیت‌الله بروجردی اطلاع دهم تا بدانند که مرا به خاطر چاپ فتوای ایشان، دستگیر کرده‌اند!

کامکار ناراحت شد و گفت چه لزومی دارد؟ گفتم بالاخره سرپرست و مسئول ما طلبه‌ها ایشان هستند... کامکار با سرهنگ سجادی رئیس شهربانی خیبت که به شیخ محمد! معروف بود و هر روز و شب در صف اول نماز آقای بروجردی و یا آقای نجفی حضور می‌یافت! تماس گرفت و گفت که فلانی می‌خواهد با بیت آقا تماس بگیرد!

سرهنگ سجادی اجازه نداد و گفت او را بفرست به بالا. مأموری مرا به طبقه بالا برد. در طبقه دوم اطاق سرهنگ سجادی قرار داشت... وارد شده و سلام کردم! پاسخی نداد! رفتم روی یک صندلی نشستم! خیلی ناراحت شد! گفت چرا نشستید؟ گفتم صندلی برای نشستن است! شما جواب سلام مرا که واجب است نمی‌دهید، نباید توقع داشته باشید که برای نشستن از شما اجازه بگیرم... من نه می‌دانم که اتهام چیست؟ و نه حکم کتبی برای جلب من در اختیار است و نه...

سرهنگ سجادی گفت: زیاده حرف نزن. این چه اعلامیه‌ایست که تو منتشر کرده‌ای؟ مگر تو مجتهد و صاحب فتوا هستی که اعلامیه صادر می‌کنی؟
گفتم اعلامیه من شامل فتوای من نیست بلکه اگر دقت کنید شامل فتوای آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله زاهدی قمی است، اگر فتوای آنها به نظر شما صحیح نیست، باید به آنها مراجعه کنید نه اینکه ناشر آنها را دستگیر کنید!

سرهنگ سجادی که نخست خیلی تند و اهانت‌آمیز و بی‌ادبانه برخورد کرده بود، کمی نرم شد و گفت شما را مرکز خواسته است؟ و از طرفی اگر آقا بدانند (مرادش آیت‌الله بروجردی بود) من به ایشان چه بگویم؟... پیشنهاد می‌کنم موضوع را همین جا ختم کنیم، با این شرط که شما اولاً به هیچ کس حتی رفقای طلبه نگویی که به شهربانی جلب شدی! و ثانیاً همه اعلامیه‌هایی را که الان در «چاپخانه دارالعلم» داری چاپ می‌کنی! تحویل ما بدهی و دیگر چاپ نکنی تا ما بتوانیم پاسخگوی مرکز باشیم!

گفتم موضوع اول در اختیار من نیست... چون طلبه‌ها در خیابان ارم دیدند که مرا مأمورین شما دستگیر کردند، وقتی سؤال کنند، من باید پاسخ درست بدهم!
در مورد دوم اشکالی ندارد! دو هزار نسخه دیگر دارند چاپ می‌کنند (تعداد واقعی ۵ هزار نسخه بود) که آنها را می‌گویم چاپخانه برای آقای کامکار بفرستند!...
به ظاهر تشکر! کرد و من هم به وعده خود عمل کردم و دو هزار نسخه از اعلامیه‌ها را به باربری دادم که به شهربانی ببرد و گفتم که حق باربری را هم از کامکار بگیرد!!

و بقیه را بلافاصله به خانه امنی بردم و دو روز بعد به اصفهان فرستادم..
داستان این اعلامیه و واکنش دستگاه و گزارش‌های ساواک در این زمینه در کتاب برادر ارجمند جناب آقای دکتر جواد منصوری آمده است که من از نقل تفصیل آن می‌گذرم.^۱
البته در اعلامیه «ملت مسلمان ایران» به ظاهر هدف تحریم پپسی کولا و معامله و خرید

۱. مراجعه کنید به کتاب: تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، تألیف دکتر جواد منصوری، ج ۱، چاپ تهران.



کالاهای بهایان بود، ولی در واقع هدف اصلی مبارزه با ایادی استکبار و صهیونیسم و قطع ید سارقین بیت‌المال و تضعیف بنیه اقتصادی حزب بهایی وابسته به اسرائیل را داشت و به یاری حق در این زمینه با موفقیت هم همراه بود که بعدها، اسناد ساواک و گزارش‌های شهرستان‌ها نشان‌دهنده نوع تأثیر و نگرانی‌های مقامات امنیتی است... در اعلامیه اینجانب علاوه بر متن فتوای آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله زاهدی قمی، چنین آمده بود:

... در ماه مبارک... باید حقایق را بی‌پرده گفت و مردم را بیدار ساخت و البته امر به معروف و نهی از منکر دو رکن مهم و اساسی از ارکان اسلامی است پس بر همه افراد

مسلمان واجب بوده و منحصر به یک عده مخصوص نیست.

موضوع خرید و فروش پیسی کولا که مدیر شرکت آن یک نفر بهایی سابقاً یهودی است و روی همان سابقه دشمنی یهودیان با اسلام و مسلمین، مدیر پیسی کولا از هر بطری پیسی کولا یک ریال به نفع تبلیغات بهایی‌گری اختصاص داده و سازمان جاسوسی بهاییان هم آن را علیه اسلام و مسلمین صرف می‌کند... آیا وجدان مردم مسلمان اجازه می‌دهد... که به دستگاه خیانت و جنایت بهایی‌گری که توسط دشمنان اسلام به وجود آمده است، کمک کنند؟...

نشر و توزیع این اعلامیه، در سطح کل کشور و توسط مردم و طلاب حوزه‌های علمیه بلاد و تأثیر مثبت آن در سقوط بازار فروش پیسی کولا باعث می‌شود که «شرکت زمزم!» طی نامه‌ای به رئیس ساواک، ضمن شکایت و گزارش درباره بعضی از افراد می‌نویسد:

در چند ماهه اخیر فعالیت‌های تهدیدآمیزی بر علیه فروشندگان پیسی کولا در حوالی بازار و سایر نقاط شهر به موقع اجرا گذاشته شده. ولی با فرارسیدن ماه‌های محرم و صفر این فعالیت‌ها به شدت ادامه پیدا کرده... و با نوشتن نامه‌های بدون امضا فروشندگان پیسی کولا را تهدید به قتل می‌کنند...

در یکی از گزارش‌های ساواک در این رابطه آمده است:

سهامداران شرکت زمزم (پیسی کولا) قریب به اتفاق بهایی می‌باشند و از بدو تأسیس نمایندگی پیسی کولا در شهر مذهبی قم مواجه با مخالفت آیت‌الله بروجردی گردیده ساواک مزبور (قم) نمایندگی پیسی کولا را در شهر قم فوق‌العاده مضر و موجب بدبینی محافل روحانیت با اولیاء امور تشخیص داده بود...

این نکته اساسی و مهم را، امام خمینی قدس سره، طی سخنانی چنین تبیین نمودند: «اینجانب حسب وظیفه شرعیه به ملت ایران و جهان اعلام خطر می‌کنم قرآن کریم و اسلام در خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد در معرض قبضه صهیونیست‌ها است که در ایران به حزب بهایی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود قبضه می‌کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمامی شئون ساقط

می‌کنند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهودیت است و دولت‌ها ناظر آن هستند و از آن تأیید می‌کنند. ملت مسلمان تا رفع این خطرها نشود سکوت نمی‌کنند...»^۱

این بود خلاصه داستان اعلامیه «ملت مسلمان ایران» با امضای اینجانب که در ۷۷/۹/۱۵ ه. ق - یعنی نیم قرن پیش - از «حوزه علمیه قم» منتشر گردید.

متن کامل اعلامیه که بی‌تردید در ده‌ها هزار نسخه در سراسر ایران منتشر گردید، به قرار زیر است:

اسلام برتر و بالاتر از همه:

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مسلمان ایران پیسی کولا نمی‌نوشند

توجه فرمایید: با فرارسیدن ماه مبارک رمضان باید تبلیغات همه جانبه‌ای مسلمین در سراسر ایران، علیه دشمنان اسلام شروع شود زیرا در ماه‌های دیگر امکانات موجوده به ما اجازه نمی‌دهد که حقایق را آن‌طور که لازم است، به همه مردم برسانیم ولی در ماه مبارک که خوشبختانه مسلمانان روز و شب در مجالس و مجامع عمومی شرکت می‌کنند، باید حقایق را بی‌پرده گفت و مردم را بیدار ساخت و البته توجه دارید که امر به معروف و نهی از منکر که دو رکن مهم و اساسی از ارکان اسلامی است، بر همه افراد مسلمان واجب بوده و منحصر به یک تیپ و یک عده مخصوصی نیست...

از جمله مسائلی که متأسفانه مورد ابتلاء همه مردم مسلمان ایران شده، موضوع خرید و فروش و استعمال پیسی کولا است که مدیر شرکت آن یک نفر بهایی معلوم‌الحالی است که سابقاً هم یهودی بود و روی همان سابقه دشمنی که یهودی‌ها با اسلام و مسلمین داشته و دارند، مدیر پیسی کولا نیز از هر بطری پیسی کولا ۱ ریال به نفع تبلیغات بهایی‌گری اختصاص داده و سازمان جاسوسی بهاییان هم آن را علیه اسلام و مسلمین صرف می‌کنند (و البته در اینکه مدیر پیسی کولا یک نفر بهایی است معروف به «ثابت پاسال» هیچ گونه شکی نیست و هر کسی می‌تواند در تهران از کسبه و بازاریان تحقیق کند).

اسلام برتر و بالا تراز همه :

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مسلمان ایران پیسی کولا نمی نوشند

توجه فرمائید : با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان باید تبلیغات همه جانبه‌ای مسلمانان دیندار ایران ، علیه دشمنان اسلام شروع شود زیرا در ماههای دیگر امکانات موجوده بسیار نایبند که سابقین را آنطور که لازم است ، بهم مردم برسانیم ولی در ماه مبارک که خوشبختانه مسلمانان روز و شب در مجالس و مجامع عمومی شرکت میکنند ، باید سابقین را ، برده گمّت و مردم را بیاد ساختن و اینکه توجه دارید که امر معروف و نهی از منکر که دو رکن مهم و اساسی از ارکان اسلامی است ، بر همه افراد مسلمان واجب بوده و متعصم به یک تبی و یکمنه مخصوصی نیست ...

از جمله مسائلی که متأسفانه مورد ابتلاء همه مردم مسلمان ایران شده ، موضوع خرید و فروش و استعمال پیسی کولا است که مدیر شرکت آن یکفکر بهائی معلوم الحالیت که سابقاً هم بودی بود در وی همان سابقه دشمنی که بود بها با اسلام و مسلمانان داشته و دارنده ، مدیر پیسی کولا نیز از هر بطری پیسی کولا ۱ ریال بفتح تبلیغات بهائیکری اختیاص داده و سازمان جاسوسی بهائیان هم آنرا علیه اسلام و مسلمانان صرف میکنند (والیه در اینکه مدیر پیسی کولا یک نفر بهائی است معروف به « ثابت باسال » و فروشی و استعمال پیسی کولا منع کرده اند ، و در اینصورت آیا وجدان مردم مسلمان اجازه میدهد که پیسی را استعمال کنند و با استعمال هر بطری ۱ ریال بدستگاه خیانت و جنایت بهائیکری که توسط دشمنان اسلام بوجود آمده است ، کمک کنند ؟ اینک ما در اینجا متن فتوی حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی رهبر بزرگ مردم ایران را که در باره لزوم ترک معامله با بهائیان صادر فرموده اند درج میکنیم . والیه فتوی حضرت معظمه یک فتوی کلی جامع و کاملیت و تبیین مصداق آن در خارج ، وظیفه خود مسلماناست . (سؤال)

حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی مدظله العالی علی رؤس المسلمین یحق محمد و آل

چه میفرماید راجع به معاشرت و معامله با بهائیان از قبیل اکل و مشرب با آنها و مهمانی کردن آنها و بهمانی رفتن و زن دادن بآنان و زن گرفتن از آنها و دخول بهامات آنان و راه دادن آنها بهامات مسلمانان و خرید و فروش با آنها و گزافه و اجاره دادن املاک و وساطت نقلیه از آنها و مسایله ، نزد آنها و اصلاح و ضرورت آنان و کار کردن برای آنها معانای و یا تحت هر یک از اینها معاملات شرعی از قبیل بیع و زراعه و مسافت و شرکت و صلح و نحو این امور از انحاء معاشرت و معامله با آنها مستثنی است نظیر شریف در مرقوم دارید . ادام الله ظلمکم . (جواب)

« بسمه تعالی : لازم است مسلمانان نسبت باین فرقه معاشرت و مخالطه و معاومه را ترک کنند فقط از مسلمانان تقاضا داریم آرامش و حفظ انتظام را از دست ندهند .

فتوی آیه الله العظمی آقای بروجردی وظیفه هر مسلمان با ایسان را در مقابل بهائیان که برخلاف شایعات دروغ بگفتند معذور پیش نیستند . معلوم میکند و اینکه ما در اینجا متن نظریه حضرت حجه الاسلام آقای حاج شیخ ابوالفضل قنبری دام بقاه را که یکی از علماء و مدرسین و مشربین حوزه علمیه قم هستند در باره خصوصی پیسی کولا درج میکنیم تا حقیقت مسئله برای همه مردم مسلمان ایران روشن شود

بسمه العالی حضرت حجة الاسلام والاسلمین آية الله آقای حاج میرزا ابوالفضل قمي دام بقاه

فتوایی که حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی در باره لزوم ترک معامله و مخالطه و معاشرت با بهائیان صادر فرموده اند ذن مسلمانان در این نسبت روشن کرده است ولی تقاضا میشود که نظیر حضرت را در خصوص پیسی کولا (که بهر شرکت آن و کارگران کارخانه آن بهائی هستند) مرقوم فرمائید : ادام الله بقانکم الشریف ۲۹ شعبان ۱۳۷۷

« بسمه تعالی : اقدامات بنده راجع به ممنوع الشرب و البیعه بودن پیسی کولا معروف است و متعلق بودن آن بان طایفه شیعه روشن است از این جهت لازم است بر جمیع مسلمانان از آن احتراز کنند ابوالفضل القمی »

برادران مسلمان :

- (۱) این بیانیه را بخوانید و بدعید دیگران نیز بخوانند و بر تقای خود در شهرستانها نیز بفرستید. (۲) در مجالس و مجامع برادران مسلمان خود نیز موضوع را گوشزد کنید . (۳) اگر ممکن شد در شهرستان خود عین بیانیه را چاپ و بخش کنید . (۴) اگر فروشنده گان پیسی گوش بشا ندادند آنها را بقطع معامله تهدید کنید زیرا مردم مسلمان با غیرت با افراد بی مبالای معامله نمیکند . (۵) فریب تبلیغات و آگهی های پیسی کولا را نخورید و اگر بالای تابلوهای پیسی کولا بسم الله الرحمن الرحیم دیدید بنهائید که برای گول زدن شما نوشته اند زیرا بهینشرکت پیسی کولا است که تابلوهای شر و فرودشهای تهران را داده است . (۶) اگر در محله معظنه و مدینه طایفه و غنای عالیات مردم پیسی کولا میشوند باید توجه داشته باشید که مدیر کارخانه های آنها بهائی نیست و افراد مسلمان است (۷) برای مبارزه با دستگاه جاسوسی بهائیان بدستور حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی در قم تمام تلویزیون ها که متأسفانه آنهم متعلق به ثابت باسال است و بر نامه های ضد اسلامی داشته جم آوردی شد .

حقوق سرانجام پیروزمیشود
رمضان المبارک ۱۳۷۷ قم - حوزه علمیه . سیدهای خسرو شاهی

روی همین اصل است که علمای اعلام از خرید و فروش و استعمال پیسی کولا منع کرده اند، و در این صورت آیا وجدان مردم مسلمان اجازه می دهد که پیسی را استعمال کنند و با استعمال هر بطری یک ریال به دستگاه خیانت و جنایت بهایی گری که توسط دشمنان اسلام به وجود آمده است، کمک کنند؟!

(سؤال)

حضرت آیت‌الله العظمی آقای بروجردی مدظله‌العالی علی رؤس‌المسلمین بحق محمد و آله چه می‌فرماید راجع به معاشرت و معامله با بهاییان از قبیل اکل و شرب با آنها و مهمانی کردن آنها و به مهمانی رفتن و زن دادن به آنان و زن گرفتن از آنها و دخول حمامات آنان و راه دادن آنها به حمامات مسلمین و خرید و فروش با آنها و کرایه و اجاره دادن املاک و وسایل نقلیه از آنها و معالجه نزد آنها و اصلاح سر و صورت آنان و کار کردن برای آنها مجاناً و یا تحت هر یک از عناوین معاملات شرعیه از قبیل جعاله و مزارعه و مساقات و شرکت و صلح و نحو این امور از انحاء معاشرت و معامله با آنها. مستدعی است نظر شریف را مرقوم دارید.

ادام‌الله ظلکم.

(جواب)

بسمه تعالی

لازم است مسلمین نسبت به این فرقه معاشرت و مخالطه و معامله را ترک کنند فقط از مسلمین تقاضا دارم آرامش و حفظ انتظام را از دست ندهند.

حسین الطباطبایی (محل مهر مبارک)

فتوای آیت‌الله العظمی آقای بروجردی وظیفه هر مسلمان باایمان را در مقابل بهاییان که بر خلاف شایعات دروغ یک مشت معدود بیش نیستند، معلوم می‌کند و اینک ما در اینجا متن نظریه حضرت حجت الاسلام آقای حاج شیخ ابوالفضل قمی دام بقائه را که یکی از علما و مدرسین و مفسرین حوزه علمیه قم هستند درباره خصوص پیسی کولا درج می‌کنیم تا حقیقت مسأله برای همه مردم مسلمان ایران روشن شود.

بسمه العالی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آیت‌الله آقای حاج میرزا ابوالفضل قمی دام بقائه فتوایی که حضرت آیت‌الله العظمی آقای بروجردی درباره لزوم ترک معامله و مخالطه و معاشرت با بهاییان صادر فرموده‌اند ذهن مسلمین را در این قسمت روشن کرده است ولی تقاضا می‌شود که نظر شریف را در خصوص پیسی کولا (که مدیر شرکت آن و کارگران کارخانه آن بهایی هستند) مرقوم فرمایید:

ادامه الله بقانکم الشریف ۲۹ شعبان ۱۳۷۷

بسمه تعالی

اقدامات بنده راجع به ممنوع الشرب و البیع بودن پیسی کولا معروف است و متعلق بودن آن به آن طایفه خبیثه روشن است از این جهت لازم است بر جمیع مسلمین از آن احتراز کنند.

ابوالفضل القمی

برادران مسلمان:

۱. این بیانیه را بخوانید و بدهید دیگران نیز بخوانند و به رفقای خود در شهرستان‌ها نیز بفرستید.
۲. در مجالس و مجامع به برادران مسلمان خود نیز موضوع را گوشزد کنید.
۳. اگر ممکن شد در شهرستان خود عین بیانیه را چاپ و پخش کنید.
۴. اگر فروشندگان پیسی گوش به حرف شما ندادند آنها را به قطع معامله تهدید کنید زیرا مرد مسلمان باغیرت با افراد بی‌مبالات معامله نمی‌کند.
۵. فریب تبلیغات و آگهی‌های پیسی کولا را نخورید و اگر بالای تابلوهای پیسی کولا بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم دیدید بدانید که برای گول زدن شما نوشته‌اند زیرا همین شرکت پیسی کولا است که تابلوهای مشروب فروش‌های تهران را داده است.
۶. اگر در مکه معظمه و مدینه طیبه و عتبات عالیات مردم پیسی کولا می‌نوشند باید توجه داشته باشید که مدیر کارخانه آنها بهایی نیست و افراد مسلمان است.
۷. برای مبارزه با دستگاه جاسوسی بهاییان به دستور حضرت آیت‌الله العظمی آقای بروجردی، در قم تمام تلویزیون‌ها که متأسفانه آن هم متعلق به ثابت پاسال است و برنامه‌های ضد اسلامی داشت، جمع‌آوری شد.

حق سرانجام پیروز می‌شود

رمضان المبارک ۱۳۷۷، قم، حوزه علمیه

سید هادی خسرو شاهی

◆ اعلامیه «پیام»

بعد از مدتی، اعلامیه‌ای با امضای آقای سید صادق زیارتی منتشر شد که خیلی تند و حماسی بود و البته در واقع می‌توانست نشان دهنده روحیه مبارزه جویانه نویسنده آن باشد.

آقای زیارتی در مدرسه «حجتیه» هم حجره مرحوم شیخ علی آقا تهرانی^۱ و حجت الاسلام جناب آقای شیخ هادی فقهی آذرشهری بود و من هم با هر دو بزرگوار رفیق بودم و برای شنیدن مطالب عرفانی آقای تهرانی تقریباً بعضی روزها به نزد ایشان می‌رفتم.

این رفت و آمد، به طور طبیعی به رفاقت با آقای زیارتی هم انجامید و ما روابط صمیمانه‌ای داشتیم، ولی بعدها به علت ارتباط من با آیت‌الله شریعتمداری، آقای زیارتی به تدریج در همکاری با ما(!؟) ملاحظات و تحفظاتی!! پیدا کرد که علی‌رغم عدم اظهار موضوع، با توجه به نوع برخوردهای سرد! برای من کاملاً روشن بود. و البته هر کسی تشخیصی دارد که برای او حجت است و جای گله و ایراد هم نیست. به هر حال اعلامیه «پیام» با امضای آقای زیارتی منتشر شد و طبعاً ما هم موافق آن بودیم!

اعلامیه ایشان تحت عنوان «پیام» شامل نکات زیر بود:

۱. لزوم بازگشت اهل قرآن و ایمان به سوی خدا و انجام وظایف شرعی، بویژه امر به معروف و نهی از منکر و هشدار به اینکه در صورت عدم اقدام به واجب، دچار عذاب الهی در دنیا و آخرت خواهند شد.
۲. خطاب به حامیان قرآن - که قاعدتاً مراد علما و روحانیون هستند - که در قبال ظلم و ستم و حمله دشمنان اسلام به سرزمین‌های اسلامی سکوت اختیار کرده‌اند... و اشاره به این نکته که این سکوت مورد رضایت خدا و پیامبر نبوده و مطابق دستورات الهی نیست.
۳. جامعه فاسد، با موعظه و پند اصلاح پذیر نیست و راه حل اصلاح بنیادی، یک جنبش حاد دینی است که دامنه این جنبش، به طور طبیعی، وسیع تواند بود!
۴. عهد و پیمان با خدای واحد - پیمانی محکم و استوار برای ادامه مبارزه - تا آخرین نفس و عدم اعتنا به اهانت‌ها و تهمت‌ها و توطئه‌ها در طی مسیری که در پیش پای مجاهدان قرار دارد.
۵. استمرار جهاد همه جانبه بر ضد دشمنان داخلی و خارجی تا سر حد وصال به حق، یعنی

شهادت... و بی‌باکی مطلق در پیمودن این راه. زیرا آنچه که در نظر ما بی‌اهمیت است، جان است و مال است و خون و ایمان مطلق هم هست که پیروزی یا شهادت هر دو موجب سعادت خواهد بود و افتخار‌آمیزترین راهیست که بشر متفکر آن را برای زندگی خود انتخاب می‌کند...
 ۶. دعوت هواداران راه حق، برای پیوستن به این نوع جهاد - یا جنبش حاد دینی؟! - تا همدوش و هم قدم در یک جنبش عالم‌گیر همگام شوند.

این پیام در متن خود ابهامی ندارد و نشان‌دهنده خواسته‌ها و آرزوها و آمال نویسنده آن است و البته آقای زیارتی پس از انتشار این اعلامیه - که از نظر من امضای صریح آن به صلاح نبود - و اقداماتی عملی در این راه و فعالیت‌های دیگر، مجبور به هجرت به عراق شد و توفیق اقامت و زیارت در نجف اشرف، سالیانی دراز نصیب و همراه وی گردید.
 لازم به یادآوری است که این اعلامیه یا پیام که سال‌ها قبل از آغاز نهضت اسلامی و حرکت ۱۵ خرداد منتشر شده، تاریخ انتشار ندارد...

متن پیام به این شرح است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پیام
 رتال جامع علوم انسانی

ای آنان که خود را مسلمان و پیرو مکتب قرآن می‌دانید، باید یقین کنید و ایمان بیاورید که عظمت و احترام شما برتری و استقلال شما، زمانی باز می‌گردد که به سوی خدا باز آید، از امر به معروف و نهی از منکر به واسطه ریاست و جاه‌طلبی و به ملاحظه حفظ شخصیت خود، خودداری نکنید، و بدون کوچک‌ترین واژه از لغزش هر کس که می‌لغزد جلوگیری کنید، ستمکاران را از کردار ناسزاوارشان نهی کنید، با دست و زبان و با قلب و اراده سخت مخالفت خود را ابراز دارید. قطع داشته باشید که این راه پست و ننگینی که می‌پیمایید از مرگ حتمی شما جلوگیری نمی‌کند. بدانید که موجب این همه بدبختی‌ها شما هستید. شمایي که هزاران عمل فجیع و کردار ظالمانه و ضد انسانی را ندیده می‌گیرید، و غافل از اینکه فردا در دادگاه عدل الهی سرافکننده و روسیاه خواهید بود، شمایي که از وظایف مسلمانه خویش شانه خالی کرده و فرار می‌کنید، و غافل از اینکه فردا در روز حساب راه فرار و بهانه‌ای نخواهید داشت.

پیام

ای آنانکه خود را مسلمان و پیرو مکتب قرآن میدانید، باید یقین کنید و ایمان بیاورید که عظمت و احترام شما برتری و استغلال شما، زمانی باز میگردد که بسوی خدا باز آئید، از امر بمعروف و نهی از منکر بواسطه ریاست و جاه طلبی و بلا حظه حفظ شخصیت خود، خودداری نکنید، و بدون کوچکترین واهمه از لغزش هر کس که میفزود جلو گیری کنید، ستمکاران را از کردار ناسزا و ارشان نهی کنید، با دست و زبان و با قلب و اراده سخت مخالفت خود را ابراز دارید قطع داشته باشید که این راه بست و تنگینی که می بیناید از مرگ حتمی شما جلو گیری نمیکند. بدانید که موجب اینهمه بدبختی شما همسایه شماست که هزاران عمل فجیع و کردار ظالمانه و ضد انسانی را ندیده میگردید، و غافل از اینکه فردا در دادگاه عدل الهی سرفرازان و روسیاه خواهید بود، شماست که از وظایف مسلمة خویش شانه خالی کرده و قرار میگیرید، و غافل از اینکه فردا در روز حساب و فرار و پنهانهای نخواهید داشت.

وای بر شما ای کسانی که خود را حامی قرآن میدانید؛ آیا سکوت در قبال اینهمه ظلم و ستم و حمله های علنی و مخفیانه دشمنان اسلام بممالک و سرزمین های مسلمانان و غارت بیت المال و توهین بمقدسات مذهبی و اشاعه فحشاء از دستورات قرآن است؟ و از قرآن بشما چه دستوری داده شد؛ آیا قرآن و اسلام همیشه شما را امر بسکوت میکند؛ و باز دوباره تکرار معروف را قلماً، قلماً، زباناً و بهمه کس ام از بزرگ و کوچک، بازاری و کارگر، بجهتد و محصل، واجب و لازم نمیداند؟

باید بدانید که هر روز برای اصلاح جامعه پر از فساد چو بزرگ جنبش حاد دینی هیچ موضفه و نصیحتی نایز نداشت و وضع فعلی را بعد از عدالت نخواهد آورد.

روی همین است که ما با خدای خود ایمان بسته ایم، ایمان اصیل و بایرجا، ایمان محکم و خلل ناپذیر که در راه او تا آخرین نفس بکوشیم و البته هیچ نوحش و توطئه ناسچو و اندر دانه و اشکالی تراشی جاهلان در رویه خلل ناپذیر تریت یافتگان مکتب انقلابی اسلام نایز سوئی ندارد علاوه آنان را در مبارزه ای که برای اجرای احکام قرآن در سرزمین های عزیز اسلام شروع کرده اند بایر جا و مهم تر میگرداند فکر منور و روح مابالای از آنست که با انتقاد ناروائی مست و متزلزل شود آری تشبیهات جاهلان و حسودانه ما را از اداهای که در پیش گرفته ایم باز نمیدارد، و ما بجهاد همه جانبه خود علیه دشمنان داخلی و خارجی اسلام تا سر حد مرگ و مال بخدا یعنی تا سر حد شهادت ادامه خواهیم داد، و از هیچ نیرو و قدرتی ترس و هراسی بخود راه نداده، و مرادمان بجانب مقصود بیش خواهیم رفت، و آنچه در نظر ما بی اهمیت است چنان است و مال است و خون و ایمان داریم که شهادت یا پیروزی هر دو بنفع ما درین سعادت ماست

این راه ما افتخار آمیز ترین راهیست که بشر متفکر که تمامی جوانب کار و زندگی خود را دو نظر بگیرد نمیتواند برای خود جز این را مایل انتخاب کند. ما این راه را ایستای بر رویم زیرا وظیفه خود را در قبال حرت اسلام چنین تشخیص داده ایم و امید داریم که همه مسلمانان و طرفداران راه حق و حقیقت هم دوش و هم قدم با ما بجهدین تزلزل ناپذیر را بخدا کام برداشته و بایک جنبش عالمگیر بیاخیزند، و از هیچ نیرو و قدرتی ترس و هراسی نداشته باشند

دانشجوی علوم دینی سید محمد صادق زبارتی

وای بر شما ای کسانی که خود را حامی قرآن می دانید، آیا سکوت در قبال این همه ظلم و ستم و حمله های علنی و مخفیانه دشمنان اسلام به ممالک و سرزمین های مسلمانان و غارت بیت المال و توهین به مقدسات مذهبی و اشاعه فحشاء از دستورات قرآن است؟ و از قرآن به شما چه دستوری داده شده؟ آیا

قرآن و اسلام همیشه شما را امر به سکوت می‌کند؟ و با ازدیاد منکرات امر به معروف را قلم، قدام، زبانا، عملا به همه کس اعم از بزرگ و کوچک، بازاری و کارگر، مجتهد و محصل، واجب و لازم نمی‌دانند؟ باید بدانید که امروز برای اصلاح جامعه پر از فساد جز یک جنبش حاد دینی هیچ موعظه و نصیحتی تأثیر نداشته و وضع فعلی را به حد اعتدال نخواهد آورد...

روی همین است که ما با خدای خود پیمان بسته‌ایم، پیمان اصیل و پا برجا، پیمان محکم و خلل‌ناپذیر که در راه او تا آخرین نفس بکوشیم و البته هیچ فحش و توطئه ناجوانمردانه و اشکال‌تراشی جاهلانه در روحیه خلل‌ناپذیر تربیت‌یافتگان مکتب انقلابی اسلام تأثیر سوئی ندارد علاوه آنان را در مبارزه‌ای که برای اجرای احکام قرآن در سرزمین‌های عزیز اسلام شروع کرده‌اند پا برجا و مصمم‌تر می‌گرداند. فکر ما، روح ما بالاتر از آن است که با انتقاد ناروایی سست و متزلزل شود. آری تشبثات جاهلانه و حسودانه ما را از ادامه راهی که در پیش گرفته‌ایم باز نمی‌دارد و ما به جهاد همه‌جانبه خود علیه دشمنان داخلی و خارجی اسلام تا سر حد وصال به خدا یعنی تا سر حد شهادت ادامه خواهیم داد و از هیچ نیرو و قدرتی ترس و هراسی به خود راه نداده، مردانه به جانب مقصود پیش خواهیم رفت. و آنچه در نظر ما بی‌اهمیت است جان است و مال است و خون و ایمان داریم که شهادت یا پیروزی هر دو به نفع ما و عین سعادت ما است.

این راه ما افتخارآمیزترین راهی است که بشر متفکر که تمامی جوانب کار و زندگی خود را در نظر بگیرد نمی‌تواند برای خود جز این راه انتخاب کند. ما این راه را بایستی برویم زیرا وظیفه خود را در قبال عزت اسلام چنین تشخیص داده‌ایم و امیدواریم که همه مسلمانان و طرفداران راه حق و حقیقت، هم‌دوش و هم‌قدم با مجاهدین تزلزل‌ناپذیر راه خدا گام برداشته و با یک جنبش عالم‌گیر به پا خیزند، و از هیچ نیرو و قدرتی ترس و هراس نداشته باشند.

دانشجوی علوم دینی

سید محمد صادق زیارتی

◆ اعلامیه بدون عنوان

سومین اعلامیه با امضای رسمی یکی دیگر از طلاب حوزه علمیه قم که متأسفانه مانند اعلامیه دوم، فاقد تاریخ است، با امضای آقای «میر ابوالفتح دعوتی» منتشر گردید... آقای

دعوتی از جمله طلاب جوان و جدید الورد! والاسلام! به حوزه علمیه قم بود و همراه دوستان جوان دیگر، چون آقایان میرباقری، سید رسول تهرانی، حسین کبیر، سید حسن معین، عبدالحسین معزی و غیرهم، جزء اصحاب دعای ندبه، دعای سمات و دعای کمیل بود که توسط «ما»: مرحوم آقا شیخ علی آقا پهلوانی، مرحوم آقا شیخ قاسم تهرانی، آقا سید محسن خرازی، آقا رضا استادی و حقیر و چند نفر دیگر - در مسجد و کتابخانه مدرسه حجتیه - و یا منزل آقا سید محسن خرازی، متصل به مدرسه - برگزار می‌شد.

آقای دعوتی همیشه نیم ساعتی قبل از وقت نماز ظهر و عصر و یا مغرب و عشا - در مسجد حجتیه حضور می‌یافت و به اقامه «نماز» مشغول می‌شد؟! من فکر می‌کردم که «نوافل» را ادا می‌کند ولی بعدها روشن شد که علاوه بر «نوافل» به ادای «قضا»ی نمازهای فوت شده چند ساله دوره دبیرستان می‌پردازد! و این «اقامه نماز» گاهی حتی بعد از اتمام نماز جماعت و متفرق شدن افراد هم استمرار می‌یافت.

به هر حال آقای دعوتی با روحیه‌ای خاص و معنوی و روشی مؤدب و اخلاقی با همه دوستان جوان می‌جوشید! ولی گاهی بی‌دلیل می‌خروشید! و تکیه کلامش هم این بود که «باید!» چنین و چنان شود! یا «باید» چنان کنیم و چنین ...
برای شناخت روحیه این «طلبه جوان» می‌توان نگاهی کوتاه به اعلامیه بدون عنوان - ولی به امضای ایشان - داشته باشیم.

این اعلامیه که با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌شود شامل نکات زیر است:

۱. نخست اشاره‌ای به هجمه و «استعمار صلیبی» که از قرن نهم هجری آغاز شده و اینکه کشورهای اروپایی - مسیحی، در سایه کوشش و تلاش به پیشرفت‌هایی نائل آمده و موفق شده‌اند که کشورهای اسلامی به خواب رفته را مورد هجمه و تجاوز قرار دهند.

۲. استعمار صلیبی با کمک اسلحه «پیشرفت علوم» به دور ساختن نسل جوان مسلمان، از اسلام‌گرایی پرداخته و در اثر غفلت مسلمین! در اجرای این توطئه تا حدود زیادی موفق شده است.

۳. استعمار صلیبی باز در اثر توطئه‌های برنامه‌ریزی شده، توانسته اوضاع داخلی کشورهای بسیاری را از لحاظ دینی، اقتصادی، نظامی و... مختل سازد و این البته نتیجه غفلت و سستی مسلمانان بود.

۴. در مقابل این وضع چه باید کرد?... نخست باید مسلمانان بدانند که دشمن زیادی دارند و باید به وسیله تحقیق و «جاسوس‌ها»! دشمن‌شناسی کنند و آن‌گاه از علوم و اختراعات آنها بهره گیرند! و سپس مردم را بیدار سازند و به پیشرفت و پیشی جستن از آنها بپردازند!

۵. این غفلت مسلمین، محصول روش حکومتی «پادشاهان و خلفای اسلامی» بوده که «لکه ننگی» بر دامن آنان خواهد بود ولی البته این وظیفه «دانشمندان اسلام» است که باید به فکر چاره باشند و جوانان اسلام را متناسب با زمان پرورش داده و تربیت نمایند!... که متأسفانه مدت ۵۰۰ سال از آن غفلت کرده و اصولاً به فکر چاره نبوده‌اند... و اکنون راه چاره چیست؟

۶. باید مسلمین و دانشمندان یأس و ناامیدی را از خود دور کنند و به «یاری» خداوند امیدوار باشند و افکار عمومی را روشن سازند و سطح علوم را بالا ببرند و گرنه نتیجه نهایی سستی‌ها و تن‌آسایی‌ها «چیزی جز نابودی در راه غیر خدا» نخواهد بود!

۷. نکته مهم و پایانی آن که: برای پایان دادن به این سقوط و انقراض! «دانشمندان اسلام» سهم خاصی دارند و باید وارد صحنه عمل شوند و از «زحمت‌ها و تهمت‌ها و تمسخرها و آزارها و اذیت‌ها» نهراسند تا این «نواقص» را که ناشی از «فقدان علم و دانش است جبران کنند و کسانی که سستی نمایند در حقیقت از روح اسلام بهره‌ای نبرده‌اند».

این خلاصه محتوای خواست‌های آقای دعوتی در آن بیانیه بود که اشاره شد متأسفانه تاریخ ندارد... آقای دعوتی در این راستا که قرار بود «جزوه‌های زیادی»! هم منتشر سازند با توجه به شرایط و جو حاکم بر اوضاع ارتجاعی محافل ما! شاید چندان موفق نبوده‌اند... ولی همواره کوشیده‌اند که «قلم بزنند» و حتی با استفاده از «شعر» هدف را دنبال کنند که بهترین نمونه آن شعر بلندی - سبک نو - است که تحت عنوان «جمال الدین» و با امضای مستعار «صالح امین» درباره نهضت اسلامی سید جمال الدین حسینی اسدآبادی سروده‌اند که نخست

به شکل رساله‌ای چاپ شد و سپس در ویژه نامه «تاریخ و فرهنگ معاصر»، شماره ۲۰۱ سال پنجم، مورخ ۱۳۷۵ نقل گردید.

پس از انقلاب، آقای دعوتی مدتی در نهادهای مختلف از جمله وزارت امور خارجه، به کار فرهنگی پرداخت و اکنون نیز علی رغم بازنشستگی؟! در جراید خاصی از جمله «یالشارات الحسین» مقالاتی منتشر می‌سازد.

متن کامل بیانیه آقای دعوتی چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

از آغاز قرن نهم هجری بود که کشورهای اروپا «یعنی ممالک مسیحی» شروع به فعالیت‌هایی نمودند و در اثر جد و جهد شبانه‌روزی خویش پی در پی موفق به اکتشافات و اختراعات و تحقیقات تازه و بدیعی شدند که برای آگاه شدن به کارهای آنان باید به تاریخ‌های مفصل رجوع شود. باری پس یک دو قرن که گذشت ممالک مسیحی که رقیب اسلام و اسلامیان بودند و واجد هزاران صنعت و علم و هنر گشته قوای طبیعت را به نفع خود استخدام کردند و در این ایام مشغول نقشه‌کشی برای ریشه‌کن ساختن ممالک اسلامی گردیدند و متأسفانه در سراسر این مدت کشورهای اسلامی در خواب‌گرانی فرو رفته بودند و هرگز از پیشرفت‌های رقیب خود خبری نداشتند. این بود که در نتیجه این غفلت‌ها رقیب چندین ساله مسلمین یعنی اروپا دست همت و شجاعت بر کمر زده یکباره بر آب و خاک ممالک مسلمین حمله آورده دین و ناموس و مرز و بوم آنان را متزلزل ساخت و برای اسلامیان جای فرار و راه چاره نماند زیرا دول اروپایی از یک طرف با اظهار سخنان پسندیده و عقاید ظاهراً منطقی و فرضیه‌های فریبنده خود موفق شدند که عقاید مسلمین را متزلزل کرده کم و بیش روش خویش را بر آنان تحمیل کنند و چنان در این مورد زیر دست و با نقشه پیش آمدند که بیشتر جوانان مسلمین اروپایی‌گری را برای خود یک نوع افتخار شمردند و از طرف دیگر اروپاییان توانستند با پخش سرمایه و اسلحه افراد ناراضی و اقلیت‌های هر کشوری را علیه آن کشور بشورانند و در هر سرزمینی صدها فرقه و هزاران تفرقه پدید آوردند و از اختلافات مردم استفاده کنند و از طرف دیگر توفیق یافته که با اعمال سیاست‌های گوناگون و نقشه‌های منظم خود اوضاع اقتصادی و لشکری و کشوری و دینی هر سرزمینی را مختل سازند و مردم را به میل خود منقلب کنند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از آغاز قرن نهم هجری بود که کشورهای اروپا یعنی ممالک مسیحی، شروع به فعالیت‌هایی نمودند و در اثر جد و جبهه شایه روزی خویش بی‌دری، موفق با کشفیات و اختراعات و تحقیقات تازه، بودایی شدند که برای آکا، شدن، بکارهای آنان باید بتاریخهای مفصل رجوع شود. باریس یک سو قرن که گذشت ممالک مسیحی که رقیب اسلام و اسلامیان بودند و واجد هزاران صنعت و علم و هنر گشته‌فتوای طبیعت را بنفع خود استخدام کردند و در این ایام مشغول نقشه کشی برای ریشه کن ساختن ممالک اسلامی گره زدند و متأسفانه در سراسر این حدت کشورهای اسلامی، خواب گرانی فرو رفته بودند و هرگز از پیشرفت‌های رقیب خود خبری نداشتند. این بود که در نتیجه این غفلتها رقیب چندین ساله مسلمین یعنی اروپا دست همت و شجاعت بر کمزور زیکبار بر آب‌خاک ممالک مسلمین حمله آورده دین و ناموس و مرز و بوم آنانرا متزلزل ساخت و برای اسلامیان جای فرار و آوارگی چارماندند زیرا روزی اروپائی از یک طرف با اظهار سخنان پست و بد و عقائد ظاهراً منطقی و فریب‌دهنده و فریب‌دهنده موفقی شدند که عقائد مسلمین را متزلزل کرده که پیش‌روش خویش را بر آنان تحمیل کنند و چنان در این مووره زبردست و با نقشه‌پیش آمدند که بیشتر جوانان مسلمین اروپائی گری را برای خرید یک نوع افکار شمرند و از طرف دیگر اروپائی‌ان توانستند با بهش سرمایه و اسلحه افراناراضی و اقلیتی‌های هر کشوری را علیه آن کشور بشورانند و هر سرزمینی سعاها را روزی از آن تفرقه پیدا آوردند و از اختلاف مردم استفاده کنند و از طرف دیگر توفیق یافته که با اعمال سیاسی‌های گوناگون و نقشه‌های منظم خود و اوضاع اقتصادی و لشکری و کشوری و دینی هر سرزمینی را مختل سازند و مردم را بیل خود منقلب کنند همه این وقایع اسفناک واقع شد و همگی در اثر سستی‌ها و تن‌آسایی‌های مسلمین بود و حالا آنچه با نده شده و آنچه نباید می‌آید آمدسات و اینک باید ببینیم مسلمین در مقابل این پیش آمدها می‌بایست چه کار کرده باشند و اینک می‌باید چه کار بنمایند می‌گوئیم اولاً بایست مسلمین متذکر شده باشند که دارای دشمنان فراوانی می‌باشند که آن دشمنان شیور و زور در کمین و منتظر فرصت نشسته‌اند که هر گاه موقع مناسب شود حمله آورده اسلام را ریشه کن کنند تا ناپدید تحقیق کرده بوسیله جاسوسها و عمال خود از چگونگی دشمنان خود آگاهی یافته باشند و ثالثاً باید افراد لایقی را برانگیخته و متعصب و با کشفیات و اختراعات آنان آرا برده باشند و رابعاً باید خود بتفکری و اندیشه پرداخته افکار مردم را متوجه و بیدار ساخته باشند و خود را مواجذ و رقیب نیرومند کرده و از آنان پیش‌انداه باشند اگر مسلمین باین وظائف عمل می‌کنند آنکاه امید آن بود که استقلال فکری و دینی و مذهبی و ملی خود را بتوانند حفظ کنند، ولی مسلمین هیچگاه بتفکر این سخنان نیفتاده‌اند قزق‌های را در خواب گران‌سپری کرده تاریخ اسلام را لکه دار کردند باین ننگه دامن یادشاهان و خلفای اسلام را می‌گیرند از آن روی که در اندیشه حفظ مرز و بوم کشورهای اسلامی نبوده‌اند و فتوای ارتشی جنگی را تکمیل نکرده‌اند و نیز دامن دانشمندان اسلام را می‌گیرند از این روی که در تعالی و ترقی علوم جامعه نکو دیده‌اند زیرا هنگامیکه رقیب اسلام اسرار موجودات را کشف میکند و ابزار و وسائل گوناگون را اختراع می‌نماید و عقائد و نظرات جاهلی را بیان می‌دارد بر آسمانها پرواز میکند و در باها را میشکافد و کوهها را استخدام میکند باین هنگام پرواض است که دانشمندان اسلام باید خطی پیشرفت رقیب را حس کرده بتفکر علاج جوانان اسلام پایا به پای رقیب تربیت کرده داشا آموزند

دانشمندان اسلام می‌بایست در این موضوعات اندیشه‌ها کرده باشند که متأسفانه دولتی این چند قرن پیش از ۵۰۰ سال پیش باین طرف در آن موازین کمتر اندیشه‌ای شده است و بهین روی جوانان اسلام دست دسه در جنگ اروپائی‌ان و مادیان افغانه. این تعمیراتی است که از پیشینان سرزد و آنچه نباید شود مغلظه است ولی باید ببینیم اکنون بایسته کرد می‌گوئیم اولاً باید صنعت باس را که موجب دوری از خداست کنار گزاردیم و بی‌خداوندانیدوار شد و ثالثاً باید دانست که امروز چاره‌ای جز مجتهد شدن و مردانه وارد میدان عمل کشتن و روشن کردن افکاره بومی و بالا آوردن سطح علوم نیست و ثالثاً باید قبول کرد و در بدایت که پایان سستیها و بزودی های کنونی ما چیزی جز نابود شدن در راه غیر خدا نیست و باید فاسد که دور آینه نزدیکی سستیها ما موجب پیشرفت رقیب سرخشا یعنی کمونیسم خواهد شد سخنانی که باید گفته شود فراوانست و نقلتاجال در آنجا نیست ولی تنها یک موضوع را باید متذکر شویم و آن اینکه این سقوط واقه اش و غفغانی که نه‌لای برد مسلم‌ان روزگار را تلخ کرده است معلومی است که از حیث اسلام باقی‌الهیست و همگی مردم بوزده دانشمندان اسلام باید بران افراض بیاندیشند و وارد عمل شوند و میدانست که در این راه دشمنها و تنبها و تسخرها و آزارها و ازبها خواهد بود و مزولک باید گوشه‌گان در این راه بکشند و این را که از فقدان علم و دانش است، جبران کنند و کسانی که سستی نبایند در حقیقت از روح اسلام بهرمان نبرده‌اند در این باره جزوه‌های زیادی منتشر خواهد شد

میر ابو الفتح دعوتی

همه این وقایع اسفناک واقع شد و همگی در اثر سستی‌ها و تن‌آسایی‌های مسلمین بود و حالا آنچه باید نشود، شده و آنچه نباید بیاید آمده است و اینک باید ببینیم مسلمین در مقابل این پیشامد می‌بایست چه کار کرده باشند و اینک می‌باید چه کار بنمایند.

می‌گوییم اولاً بایست مسلمین متذکر شده باشند که دارای دشمنان فراوانی می‌باشند که آن دشمنان شب و روز در کمین و منتظر فرصت نشسته‌اند که هر گاه موقع مناسب شود حمله آورده اسلام را ریشه‌کن کنند. ثانیاً باید تحقیق کرد، به وسیله جاسوس‌ها و عمال خود از چگونگی دشمنان خود آگاهی یافته باشند و ثالثاً باید افراد لایقی را برانگیخته صنایع و اکتشافات و اختراعات آنان را ربوده باشند و رابعاً باید خود به تفکر و اندیشه پرداخته افکار مردم را متوجه و بیدار ساخته باشند و خود را دوشادوش رقیب نیرومند کرده و از آنان پیش افتاده باشند اگر مسلمین به این وظایف عمل می‌کردند آن گاه امید آن بود که استقلال فکری و دینی و مذهبی و ملی خود را بتوانند حفظ کنند. ولی مسلمین هیچ گاه به فکر این سخنان نیفتاده‌اند. قرن‌هایی را در خواب‌گران سپری کرده تاریخ اسلام را لکه‌دار کردند و این‌نگ دامن پادشاهان و خلفای اسلامی را می‌گیرد از آن روی که در اندیشه حفظ مرز و بوم کشورهای اسلامی نبوده‌اند و قوای ارتشی جنگی را تکمیل نکرده‌اند و نیز دامن دانشمندان اسلام را می‌گیرد از این روی که در تعالی و ترقی علوم جامعه نکوشیده‌اند زیرا هنگامی که رقیب اسلام اسرار موجودات را کشف می‌کند و ابزار و وسایل گوناگون را اختراع می‌نماید و عقاید و نظرات جالبی را بیان می‌دارد بر آسمان‌ها پرواز می‌کند و دریاها را می‌شکافد و کوه‌ها را استخدام می‌کند در این هنگام پر واضح است که دانشمندان اسلام باید خطر پیشرفت رقیب را حس کرده به فکر علاج افتاده جوانان اسلام را پا به پای رقیب تربیت کرده، دانش‌ها آموزش دهند.

دانشمندان اسلام می‌بایست در این موضوعات اندیشه‌ها کرده باشند که متأسفانه در طی این چند قرن یعنی از ۵۰۰ سال پیش به این طرف در این موارد کمتر اندیشه‌ای شده است و به همین روی جوانان اسلام دسته دسته در چنگ اروپاییان و مادیین افتادند. این تقصیراتی است که از پیشینیان سر زده و آنچه نباید بشود فعلاً شده است ولی باید ببینیم اکنون باید چه کرد.

می‌گوییم اولاً باید صفت یأس را که موجب دوری از خداست کنار گذارده به یاری خداوند امیدوار شد و ثانیاً باید دانست که امروز چاره‌ای جز مجهز شدن و مردانه وارد میدان عمل گشتن و روشن کردن افکار عمومی و بالا آوردن سطح علوم نیست و ثالثاً باید قبول کرد و دریافت که پایان سستی‌ها و بزدلی‌های کنونی ما چیزی جز نابود شدن در راه غیر خدا نیست و باید فهمید که در آینده نزدیکی سستی‌های ما موجب پیشرفت رقیب سرسخت ما یعنی کمونیزم خواهد شد.

سخنانی که باید گفته شود فراوان است و فعلاً مجال درج آنها نیست ولی تنها یک موضوع را باید متذکر شویم و آن این که این سقوط و انقراض و خفقانی که فعلاً به مردم مسلمان، روزگار را تلخ کرده است

مطلبی است که از حیث اسلام قابل اهمیت است و همگی مردم به ویژه دانشمندان اسلام باید بر این انقراض بیندیشند و وارد عمل شوند و پیداست که در این راه زحمات و تهمت‌ها و تمسخرها و آزارها و اذیت‌ها خواهد بود و معذک باید کوشندگان در این راه بکوشند و این نواقص را که از فقدان علم و دانش است جبران کنند و کسانی که سستی نمایند در حقیقت از روح اسلام بهره‌ای نبرده‌اند. در این باره جزوهای زیادی منتشر خواهد شد.

میر ابوالفتح دعوتی

